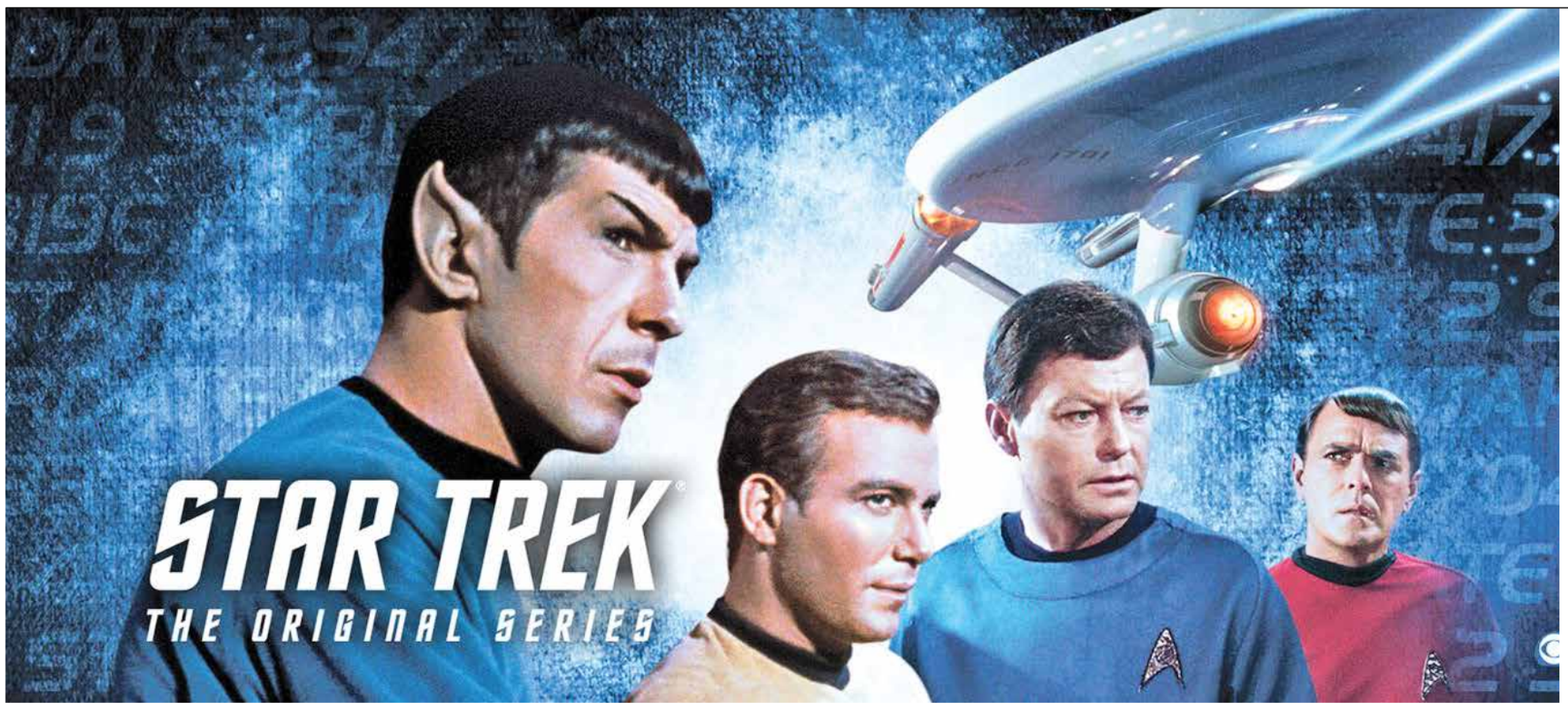

سریال اصلی و اولیه «پیشتازان فضا» با حضور و بازی آقای اسپاک سرحال (اول از چپ) و کاپیتان کرک توانا (دوم از چپ)

مصاحبه‌ای با «کاپیتان کرک» افسانه‌ای پیرامون پیشتازان فضا

کنکاش ابدی در رازهای خلقت

وصال روحانی
خبرنگار

ویلیام شاتنر که از مرز ۹۰ سال سن هم عبور کرده، به‌رغم بازی در ده‌ها فیلم و سریال و قطعات نمایشی هنوز هم در درجه اول به‌عنوان کاپیتان کرک، شخصیت کلیدی و مرکزی سریال تلویزیونی کلاسیک و پرطرفدار «سفر ستاره‌ای» شناخته می‌شود که سال‌ها پیش از تلویزیون ایران هم تحت عنوان «پیشتازان فضا» پخش شده است. پس از اتمام تهیه و پخش این مجموعه که سال‌های ۱۹۶۶ تا ۱۹۷۳ را در برگرفت و بواقع از سال ۱۹۷۹ به بعد تهیه فیلم‌های سینمایی متعددی از روی این سریال آغاز شد که یک بار دیگر کاراکترهای همین مجموعه و منجمله شاتنر ایفاگران نقش‌های آن بودند این در مورد شش فیلم اول از این مجموعه سینمایی صدق می‌کرد. تا اینکه با ساخت قسمت‌های تازه‌ای از این سریال با نام جنبی «نسل بعدی» که رویدادهای آن در قرن بیست و چهارم روی می‌دهد و با معرفی شدن کاپیتان ژان لوک پیکارد به‌عنوان جانشین کرک و هدایت کننده جدید سفینه اینترپرایز، حواس‌ها به سمت پاتریک استوارت هنرپیشه قدیمی و معتبر انگلیسی و ایفاگر نقش پیکارد رفت و کرک لااقل در این دسته از نسخه‌های سینمایی «سفر ستاره‌ای» از مقابل چشم‌ها دور شد و بازی به‌دست پیکارد و سایر سرنشینان اینترپرایز نوین افتاد که در عین شباهت‌هایشان با کاراکترهای کلیدی مجموعه اصلی سوداهای ویژه خود را در سر داشتند. این روال نیز دائمی نبود و از اواخر دهه ۲۰۰۰ و با تهیه تعدادی تازه از نسخه‌های سینمایی از روی «Star Trek» کاپیتان کرک و همکاران معروفش از اسکاتی با بازی جیمز دوهان گرفته تا هیکارو سولو فضانورد ژاپنی با بازی جورج تاکئی، لئونارد مک کوی با بازی دی فارست کلی و البته آقای اسپاک دوباره پیشتاز شدند اما با بالا رفتن سن شاتنر و لئونارد نیموی که همیشه اولین و بهترین کاپیتان کرک و آقای اسپاک تلقی شده‌اند، نسل جدیدی از هنرپیشه‌های روز شامل کریس پاین و زاکاری کینتو ایفای نقش‌های کرک و اسپاک و سایرین را عهده‌دار شدند و به جای دوهان و تاکیی نیز افراد دیگری انجام وظیفه کردند: در سه فیلم بلندی که در این راستا از ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۶ عرضه شدند، سایمون پگ، زوسالدانا و جان چو هم ایفای نقش می‌کنند و ادریس الباهم در فیلم سوم حضور یافته است. با ابزار و روش‌ها و انتخاب و آدم‌هایی از این دست، رقم فیلم‌های سینمایی ساخته شده از روی مجموعه تلویزیونی «سفر ستاره‌ای» اینک به عدد ۱۳ رسیده و پایان و توقفی هم بر آن متصور نیست و پای کارگردانان زبده تازه‌ای مانند جی جی ابرامز هم به این پروژه باز شده است. با این حال ویلیام شاتنر کانادایی الاصل و مقیم امریکا است که هفت دهه پس از آغاز کارهای هنری‌اش و قریب به ۶۰ سال بعد از شروع افسانه‌های «سفر ستاره‌ای» همپا با لئونارد نیموی فقید، ماندگارترین و شاخص‌ترین چهره این مجموعه‌های تلویزیونی و سینمایی به‌حساب می‌آید و نامش از این فضای ویژه جدایی ناپذیر است. به همین خاطر است که شبکه‌های مختلف تلویزیونی و کابلی و منجمله «کانال تاریخ» با تولید مجموعه‌هایی تازه که مرتبط با سریال «پیشتازان فضا» و برخی آثار هنری دیگر پیرامون فضا و زیست انسان‌ها است و نام‌هایشان «بیگانگان کهن» و «توجیه نشده» است، به تشریح رازهای خلقت و ارائه توضیحاتی پیرامون آنچه در کهکشان‌ها گذشته است، پرداخته‌اند و به تبع آن بحث تولیدات قدیمی و جدید در این باب را دوباره داغ و این گونه سوژه‌ها را از نو مطرح کرده‌اند. به همین مناسبت شبکه‌های فوق با تهیه و ارائه یکی دو برنامه ویژه و جدید هم که مرتبط با شخص ویلیام شاتنر است و نام یکی از آنها «ویلیام شاتنر با بیگانگان قدیمی ملاقات می‌کند» است، به گرامیداشت وی و مجموعه «سفر ستاره‌ای» پرداخته‌اند و تاریخ و واقعیت را با تصورات و ایده‌پردازی‌های این مجموعه که اتفاقات بخش نخست و اصلی آن در دهه ۲۲۶۰ روی می‌دهد، آمیخته و تجدید خاطره کرده‌اند. با این اوصاف جا دارد که با شاتنر در تابستان ۲۰۲۱ مصاحبه شود و نظرات او پیرامون خلقت انسان، شرایط فضا، تمدن‌های قدیمی و زندگی‌های فرا انسانی پرسیده شود و سریال‌ها و مجموعه‌های سینمایی «سفر ستاره‌ای» که همچنان محبوب و خالق اصلی و ایده‌پرداز مرکزی آن جین رودن بری فقید بوده، در گذر زمان و در عصری تازه در معرض بررسی و آزمون و ارزشگذاری مجدد قرار گیرند.

■ آقای شاتنر، سال‌هاست که گفته می‌شود در اعصار قدیم و حتی جدید فضایی‌ها بارها سری به کره زمین زده و پس از برداشت‌های علمی و انجام کارهای مورد نظرشان از اینجا رفته‌اند. آیا این تئوری را قبول دارید؟

من در همین زمینه صحبت‌های تازه‌ای در کانال تلویزیونی «شبکه تاریخ» داشته و اظهارنظر کرده‌ام. اگر این اتفاق افتاده و فضایی‌ها آمده باشند، به این معنای عظیم است که ما به هیچ‌وجه در جهان هستی تنها نیستیم و اگر چنین است، بعید است که بجز ما فقط یکی دو تبار و گونه دیگر از زندگی وجود داشته باشد و شاید هزاران گونه متفاوت حیات در کهکشان‌ها ریشه گسترانده باشند. می‌توان در این زمینه ماه‌ها و سال‌ها بحث کرد و با اینکه رسیدن به نتیجه‌ای واحد که با علم هم همخوانی داشته باشد غیرممکن است، اما نباید از آن ابایی داشت زیرا کمک می‌کند رازهای خلقت و راه‌ها و دلایل زیست انسان‌ها افشا و بیان شود. یادمان باشد که هدف اصلی جین رودن بری خالق و ایده‌پرداز مجموعه‌های «Star Trek» و سایر تولیدکنندگان آن نیز کنکاش در لایه‌های زندگی فضایی به قصد یافتن رازهای خلقت بوده و از آن رهایی موضوع و اسراری حل نشدنی، شاید یک چالش ابدی باشد و هرگز جواب مستقیم و نتیجه‌ای صریح از آن عاید نشود.

■ آیا به معابر و نقاطی که گفته می‌شود محل فرود و ورود بیگانگان فضایی بوده، به خواست خود یا به سبب الزام حضور در مجموعه‌های قدیمی و جدید پیشتازان فضا یا یکی دو سریال تحقیقی تازه پیرامون این موضوعات سری زده و به چشم خود آنجا را رصد و ارزیابی کرده‌اید؟

بله و در این سفرها و حضرها به عمارت‌ها و سنگواره‌های عظیمی رسیده‌ام که حتی با مهندسی‌ها و ماشین‌های حمل‌ونقل فعلی و ادوات بسیار مدرن کنونی جهان قابل انتقال و کارگذاری روی یکدیگر نیستند و به این ترتیب مشخص است نیرویی فرا انسانی این تمدن‌ها و عمارت‌ها و تأسیسات سنگین را جابه‌جا کرده و آن را بنا نهاده‌اند و عظمت کار از قوه بشر عادی و تعریفی که از انسان‌های معمولی در ذهن داریم، بسیار فراتر می‌رود. امروز هم علم پاسخی بر این سؤال بدیهی نیافته است که چطور هزاران سال پیش سنگ‌های عظیم و صخره‌هایی جابه‌جا و با آنها عمارت‌سازی صورت گرفته که هم‌اینک برای بشر کاری با ندارد. رسیدن پنجاهمین سال پخش «Star Trek» هم که از سال ۱۹۶۶ به نمایش درآمد، ساخت این مستند را مستدل‌تر و با مسماتر ساخت و تبدیل به فلسفه وجودی آن شد. این را می‌دانستیم که CBS شبکه تهیه‌کننده سریال «سفر ستاره‌ای» و پارامونت که تملک نسخه‌های سینمایی را در اختیار داشت، در ارتباط با جشن پنجاهمین سال ابداع «سفر ستاره‌ای» از هر پیشنهاد و طرح و اثر هنری جدید استقبال می‌کنند و طبعاً کار ما نیز در ساخت فیلم اسپاک بسیار پسندیدند و همان مناسبات و نظر خوش اینک یعنی در تابستان ۲۰۲۱ هم برقرار است و این در حالی است که «Star Trek» اینک ۵۵ ساله شده است.

■ توجه به کاراکتر اسپاک طی تمامی این سال‌های طولانی، عظیم و شگفت‌انگیز بوده است. آیا پدرتان اهل فضای مجازی و سایت‌های اینترنتی بود تا از میزان این توجه باخبر شود؟

او اینترنت و اصول آن را آموخته بود و هر روز هم ماهرتر می‌شد. جالب است بدانید او همچنان شوق روزهای اولش نسبت به رل اسپاک را حفظ کرده و هیجانی را بروز می‌داد که غیرقابل باور بود و چگونگی واگذار شدن این رل به خود را برای سایرین دائماً شرح می‌داد. لئونارد نیموی شوق کودکانه‌اش را حفظ کرده بود و با شگفتی و وجد به جهان می‌نگریست و به هر چیز مرتبط با هنر و این سری فیلم‌ها و سریال افتخار می‌کرد.

■ همه می‌دانیم که شرایط و محتوای این مستند بعد از اینکه پدرتان در گذشت، تا حدی عوض شد. در این باره توضیح بدهید.

بدیهی بود که پس از مرگ پدرم ابعاد فیلم را وسعت بخشیم تا این فیلم نه فقط گرامیداشت کاراکتر اسپاک بلکه بی‌رقیب و دستاوردهای پدرم نیز باشد که بی‌گمان بهترین ایفاگر این رل بوده و این کاراکتر با نام او عجین شده است. پس از مرگ لئونارد نیموی چنان احساسات جهانیان و هردوستان جاری و عیان شد که هر کاری به‌جز این از جانب ما می‌توانست اسباب حیرت و ایراد گرفتن سایرین از ما شود و ما را زیر سؤال ببرد. این چنین بود که فیلم را وسعت بخشیدیم و جنبه‌های دیگری بر آن افزودیم تا فقط نشانگر اسپاک نباشد و زمانه پدرم و کار او را هم تشریح کند. به این ترتیب روی رزومه پدرم بیشتر دقیق شدیم و کارهای انجام شده توسط وی را بیش از پیش به تصویر کشیدیم و آن قدر موضوع و سوژه فراوان بود که یک فیلم صرف برای پوشش دادن آن کفایت نمی‌کرد.

■ ارتباط خود شما با کاراکتر آقای اسپاک و زندگی در کنار آن برای شما چگونه بوده است؟

نمی‌دانم چه بگویم. اسپاک همیشه و همه جا حاضر بوده و به تبع آن زندگی من نیز از او جدایی نداشته است. وقتی هم که با پدرم رابطه‌ای حسنه نداشتم، باز وجود اسپاک و ارتباط وی با پدرم و من در صدر مسائل قرار می‌گرفت. گاهی شرایط طوری می‌شد که احساس می‌کردم اسپاک با وجود خیالی بودن و وجود نداشتن در این دنیا برای ما آزاردهنده شده و این به سبب اهمیت و عظمتی بود که کاراکتر وی به دست آورده بود و هنوز هم صاحب آن است. این یک وضعیت بسیار بد برای من بود زیرا من در دل و در اصل این کاراکتر را همیشه دوست داشته‌ام.

■ آیا در جریان تهیه و تدوین فیلم اتفاقاتی افتاد که شما را متحیر و دچار توقف کند؟

آنچه مرا متعجب کرده، سری جدید فیلم‌های سینمایی «Star Trek» است که توسط جی، جی، آبرامز و با نسخه سال ۲۰۰۷ شروع و به فیلم سوم نیز کشیده شد و اگر شرایط کرونایی اجازه بدهد قسمت چهارم هم تکمیل و ارائه خواهد شد. البته تهیه‌کنندگان این فیلم‌ها از هر جهت به پدرم ادای احترام کرده‌اند ولی به‌نظر می‌رسد به‌درستی نمی‌دانند تا چه حد مدیون او هستند. پدرم روح اسپاک را بر تمام فیلم‌ها حاکم ساخته است و با اینکه ابراز و دستیارانش و دنباله‌روهای آنان این نکته را خوب می‌دانند اما گاهی فقط در عوالم خود سیر می‌کنند و شاید بر این باورند که این ارثیه آسان و راحت به دستشان رسیده و روی آن تلاشی در گذشته صورت نگرفته است. حقیقت امر این است که این میراث، ارزشمند، سنگین و ویژه است و فقط در سایه همت پدرم طی سال‌های طولانی به دست آمده است.

■ ریشه‌ها و خاستگاه پدرتان چه بود؟

پدر او و بواقع پدربزرگ من یک مهاجر روسی بود که در غرب شهر بوستون امریکا رحل اقامت افکنده بود و او در ۱۸ سالگی آنجا را رها کرد و به هالیوود آمد تا در عالم هنر و سینما کاره‌ای شود. او بی‌هیچ سرمایه و پولی آن کار سخت را انجام داد و خود من عاشق این تلاش‌ها و چالش‌ها و شرح این گونه داستان‌ها هستم و مطمئنم که مردم نیز آن را دوست می‌دارند.

■ به روابط خودتان با پدرتان نیز در فیلم اشاراتی دارید؟

بله، این اشارات باید صورت می‌گرفت زیرا مدتی روابط ما خوب نبود. خوب نبود، چون من نمی‌توانستم نظروری را جلب کنم و او آنقدر از نظر مردم محبوب و بزرگ بود که من نمی‌توانستم آن تصویر و تجسم حاکم را با آنچه از لئونارد نیموی حقیقی کنار خودم مشاهده می‌کردم، یکسان سازم. بعداً روابط ما ۱۸۰ درجه تغییر کرد و او تبدیل به بهترین دوست و یاور من شد و این نیز نشانگر این است که هیچ وقت نباید اعضای خانواده و فامیل خود را فراموش و رها کنید.

■ **منبع:** Den of Geek

ویلیام شاتنر (پیر اما همچنان هوشیار و سخنور) در تابستان ۲۰۲۱

■ در سریال «توجیه نشده» هم یک بار دیگر بحث قدیمی و جذاب سفرهای دائمی سفینه‌های فضایی و فرستادگان تمدن‌های برتر و به قولی «UFO»ها به کره زمین مطرح و این موضوع از نو داغ شده است و این طور که می‌گویند کار به هیأت دولت امریکا و کمیته اطلاعاتی مجلس سنای این کشور کشیده شده و در این زمینه اطلاعات جدیدی را طلب کرده‌اند. در این خصوص چه چیزی برای گفتن دارید؟

سال‌هاست که در فیلم‌های امنیتی و اطلاعاتی برداشته شده از روی نقاط مختلف زمین و بخصوص توسط دوربین‌ها و رادارهای ردیابی ارتش چه نیروی هوایی و زمینی و چه دریایی، ورود «UFO»ها یا جرم‌ها و اجسامی همچون آنها به کره‌خاکی ثبت و به تصویر کشیده شده و این روند در یک سال اخیر دوباره شدت گرفته است. در این فیلم‌ها چیزهای عجیبی مشاهده می‌شود و اجسام پرنده‌ای که لابد باید سفینه‌های فضایی متعلق به سایر تمدن‌ها و موجوداتی غیربشری باشند و شاید از دور دست به اینجا آمده‌اند. نباید تصور شود که رادارها و گیرنده‌ها در این خصوص مرتکب خطا شده و بر اثر خدشه‌ها و اختلال‌های ارتباطی چیزهایی را ضبط کرده‌اند که فقط یک اختلال ارتباطی است و اینها شبیه به حرکت «UFO» و مانور آنها در محدوده‌های کره خاکی است. پرواز صریح این جرم‌ها نشان می‌دهد که با خطاهای عادی بصری مواجه نیستیم و اینها به احتمال قوی فرستادگان سایر تمدن‌ها هستند و آمده‌اند که از کره‌زمین بازدید و شرایط آن را تحلیل و اقدامات مقتضی بکنند. این محتمل‌ترین رویداد و از نظر من یک واقعه حقیقی است.

■ در این زمینه چه چیزهایی را در مجموعه پژوهشی «بیگانگان کهن» به مجریان و پرسشگران علمی و فضایی گفته‌اید؟

من فقط تجربیات و مسائلی را که در گفت‌وگوهای مستقیم با دانشمندان فضایی و متخصصان امر داشته‌ام، بازگو کردم. آنها بر این باورند که فضایی‌ها و موجودات دیگر سیاره‌ها قطعاً به کره زمین آمده‌اند و آن هم به دفعات و پس از انجام مطالعات علمی‌شان به سیاره و خانه خود بازگشته‌اند. بعضی از آنها حتی می‌گویند ارتباط برقرار کردن با این موجودات فضایی و فرستادگان سایر تمدن‌ها کاری امکان‌پذیر و شیرین است و این فرستادگان خشن نیستند و قصد تارومار کردن بشر را ندارند و سفرها و مأموریت‌هایشان فقط تحقیقاتی و مسالمت‌آمیز است.

■ در مجموعه کارهای تصویری و نمایشی «سفر ستاره‌ای» کاپیتان کرک توانا و همه‌کاره با بازی شما هم در پیدا کردن خط و روال اصلی سفرها و اقدامات فضایی بیگانگان مشکل داشت و این فرضیه مطرح می‌شد که حکومت مرکزی موجود در کره‌زمین (موسوم به «فدراسیون») به‌طور مخفی و پنهانی مشغول مطالعه و ردیابی اقدامات فضایی‌ها و ساکنان سایر سیارات و تمدن‌ها است و چیزی در این خصوص به مردم گفته نمی‌شود. آیا شما هم به این نظریه اعتقاد دارید؟

جواب من وسیع‌تر از طیف مورد اشاره شما و با در نظر گرفتن افقی بسیار بزرگ‌تر است. کره‌زمین در یک کهکشان متوسط و در منطقه‌ای به نام راه شیری قرار دارد که فقط ۸ سیاره دیگر را در برمی‌گیرد، حال آنکه در جهان هستی که نامتناهی است، صدها و هزاران کهکشان و میلیون‌ها سیاره و ستاره دیگر هم وجود دارد. آیا باید به این باور عجیب و غیرمنطقی رسید که در میان هزاران هزار کهکشان و انواع سیاره‌ها و انبوه ستاره‌ها فقط در راه شیری و در سیاره ما حیات وجود دارد و هیچ زندگی و نوع دیگری از حیات در سایر کهکشان‌ها نیست؟ چگونه می‌توان این را پذیرفت و مدعی شد که مؤلفه‌های حیاتی از این دست یا گونه‌های دیگر زیستی و فاکتورهای ایجاد کننده زندگی و رشد و حرکت و ابداع در دیگر نقاط جهان هستی وجود خارجی ندارد؟ من بر این باورم که حتی اگر انسان‌ها و انسان‌نماهای دیگری در سایر سیاره‌ها و گستره‌های کهکشانی وجود نداشته باشند. (که بسیار بعید است چنین باشد) قطعاً نوع‌های دیگر زندگی وجود دارد و بسیار زیاد و پرتنوع هم هست. این می‌تواند حتی شامل حیات باکتری‌ها و رشد و نمو موجودات میکروب آسا هم باشد و در ضمن می‌توان به مدل‌های پیشرفته‌تر حیات و خلق جانورانی منجر شود که اگرچه انسان نیستند اما از همان قماش‌اند. در همین کره زمین نوع‌های مختلف حیات حتی در مواد مذابی با ۳۰۰ درجه فارنهایت حرارت یا در سرمایی زیر ۶۰ درجه سانتیگراد در قطب‌ها و همچنین دهها متر زیر آب دریا و در عمق‌هایی چشمگیر از لایه‌های زمین وجود دارد و نمی‌دانم چطور می‌توان تصور و باور کرد که هیچ چیزی از این دست در هیچ نقطه دیگری از کهکشان‌ها وجود ندارد.

■ سال‌ها پس از تهیه و پخش مجموعه‌های «Star Trek» و خلق دنیاها و تمدن‌هایی که در آن شور حیات می‌جوشد و گرمای زندگی خیره‌کننده است و صور مختلف حیات و موجودات جاندار وجود دارند و تمدن‌های مختلف با سفینه‌ها و سفرها و ستیزه‌هایشان خودنمایی می‌کنند عده‌ای می‌گویند جین رودن بری خالق این سریال براساس رابطه احتمالی‌اش با دولت امریکا و برخی دولت‌های دیگر که با فضایی‌ها در ارتباط بوده و هستند، از وجود این تمدن‌ها و حیات‌ها اطمینان داشته و در نتیجه هرچه در این فیلم‌ها مطرح کرده، محصول این ارتباط‌ها و اطلاعات دولتی و پنهانی بوده است.

نه، من این باور را ندارم. با شناختی که از رودن بری داشتم، مطمئنم او نه تنها به‌طور مستقیم با فضایی‌ها در ارتباط نبوده، از طریق دولت امریکا هم در جریان این ارتباط‌ها قرار نگرفته است. او اینها را گفت و نوشت و به تصویر کشید زیرا مطالعات و نشانه‌های موجود وی را به آن سمت و سو سوق می‌داد و صاحب چنان باوری می‌ساخت.

■ در اکثر ادبیات داستانی و محصولات علمی- تخیلی و کارهای تصویری فضایی این فرضیه مطرح شده که سرانجام بشر و حتی آدم‌های فاقد پست‌های دولتی روزی با فضایی‌ها و موجودات بیگانه ارتباط برقرار کرده و نوعی همزیستی و لو موقت بین آنها شکل خواهد گرفت. این فرضیه و طرز تصور براساس وسعت و شدت و حدت اخبار مرتبط با زندگی در سایر سیارات و ورودهای مکرر آنها به محدوده کره خاکی به‌وجود آمده است. شما در این باره چه می‌گویید؟

این نظریه و بحثی است که باید آن را باور کرد یا لااقل آن را جدی انگاشت. در همین کره‌مریخ که فاصله‌اش با ما بسیار کمتر از سایر سیارات و تمدن‌ها است، انواع جوشش‌ها و گرماها و صور احتمالی حیات دیده و احساس می‌شود و بدیهی است که در سایر کهکشان‌ها هم حرارت و انرژی‌ها و روندهای حرکتی دیگری وجود داشته باشد و اگر باور کنیم که هیچ‌یک از این صور و المان‌ها و ابزار با یکدیگر تماس برقرار نکرده و هرگز همسو نشده‌اند، فقط خودمان را فریفته‌ایم. وجود مغزهای هوشمند احتمالی در شماری از این موجودات به این معنا است که برقراری تماس و تبادل اطلاعات و داده‌ها بین آنها آن‌قدرها هم دور از باور نیست و اگر ما انسان‌ها این کار را نکرده باشیم، بعید است که سایرین هم انجام نداده باشند. حتی اگر این فرض را باور کنیم که بشر تا این لحظه با بیگانگان فضایی ملاقات و گفت‌وگو نکرده، بسیار دور از ذهن خواهد بود که در آینده دور و نزدیک هم این‌کار را نکند. این چیزی است که قطعاً عملی خواهد شد و زندگی آینده بشر در گرو آن است.

■ **منبع:** Washington post

پسر لئونارد نیموی فقید از وی و آقای اسپاک پرطرفدار می‌گوید

ارثیه‌ای ارزشمند و سنگین

اخیراً یک فیلم مستند جدید به‌نام «به خاطر عشق به اسپاک» روانه سینماهای امریکای شمالی و اروپا شده و به‌راحتی می‌توان حدس زد که این فیلم درباره آقای اسپاک، کاراکتر افسانه‌ای سریال تلویزیونی و مجموعه فیلم‌های سینمایی پرطرفدار «سفر ستاره‌ای» (در ایران با نام «پیشتازان فضا») است. اسپاک یک مریخی با گوش‌های دراز و نوک تیز است که در سفینه خیالی اینترپرایز مستقر است و در کنار نسل‌های مختلف اکتشافگر سوار بر این سفینه، از نسل کاپیتان کرک گرفته تا کاپیتان پیکارد با انواع خطرات می‌جنگد و در دفع مهاجمان و خطرسازان وابسته به تمدن‌های غیرزمینی، حاضر و فعال است. این فیلم مستند را لئونارد نیموی بازیگر اصلی و طولانی مدت رل اسپاک در کنار پسرش آدام نیموی به مرحله ساخت رساند اما در اواسط تهیه فیلم و به‌واقع در فوریه ۲۰۱۵ جان باخت و در نتیجه تم فیلم تا حدی عوض شد. آدام نیموی بعد از مرگ پدرش موضوع فیلم را عریض‌تر و بسیط‌تر ساخت و با همت او این فیلم مستند هم راجع به اسپاک است و هم درباره لئونارد نیموی که این نقش و این کاراکتر را به یکی از جالب‌ترین و ماندگارترین شخصیت‌های تاریخ سینما و تلویزیون تبدیل کرد. با اینکه در سری جدید فیلم‌های سینمایی «Star Trek» ایفای رل اسپاک به جوانی به‌نام زاکاری کینتو سپرده شده و او هم ناموفق نبوده اما نیموی چنان با این نقش عجین شده بود که شش سال و نیم بعد از مرگش نیز تا اسم اسپاک می‌آید، همگان فقط او را به یاد می‌آورند و نه هیچ کس دیگر را. بنابراین بد نیست ببینیم آدام نیموی درباره فیلم مستند شش که ارتباط‌گاه منفی و زمانی نزدیک و سرشار از ارادت وی را با پدر مرحومش و کاراکتر خیالی اسپاک به نمایش می‌گذارد، چه می‌گوید.

■ کی و چگونه ساخت این مستند در دستور کارتان قرار گرفت؟

من و پدرم ابتدا مدت‌ها پیش فیلمی مستند درباره ایام کودکی و رشد پدرم در شهر بوستون امریکا ساختیم و همان رویداد رابطه عاطفی و مراودات شغلی ما را محکم‌تر کرد و در نتیجه به این سمت‌وسو کشیده شدیم که یک فیلم هم درباره اسپاک بسازیم که کاراکتر و سرنوشت ابدی پدرم بوده و از آن رهایی زندگی فضایی به قصد یافتن رازهای خلقت

آدام نیموی (راست) در کنار زاکاری کینتو (چپ) که جای پدر او لئونارد نیموی را گرفته است

بی‌گمان بهترین ایفاگر این رل بوده و این کاراکتر با نام او عجین شده است. پس از مرگ لئونارد نیموی چنان احساسات جهانیان و هردوستان جاری و عیان شد که هر کاری به‌جز این از جانب ما می‌توانست اسباب حیرت و ایراد گرفتن سایرین از ما شود و ما را زیر سؤال ببرد. این چنین بود که فیلم را وسعت بخشیدیم و جنبه‌های دیگری بر آن افزودیم تا فقط نشانگر اسپاک نباشد و زمانه پدرم و کار او را هم تشریح کند. به این ترتیب روی رزومه پدرم بیشتر دقیق شدیم و کارهای انجام شده توسط وی را بیش از پیش به تصویر کشیدیم و آن قدر موضوع و سوژه فراوان بود که یک فیلم صرف برای پوشش دادن آن کفایت نمی‌کرد.

■ ارتباط خود شما با کاراکتر آقای اسپاک و زندگی در کنار آن برای شما چگونه بوده است؟

نمی‌دانم چه بگویم. اسپاک همیشه و همه جا حاضر بوده و به تبع آن زندگی من